

یادداشت کارگری

**حلقه‌ی زندگی کارگران بعد از دو جنگ، همچنان تنگ‌تر می‌شود!**  
«از تعطیلی واحدهای تولیدی تا گسترش بیکاری پنهان و تأثیر آن بر زندگی کارگران»  
(بخش دوم)

امیرجواهری لنگرودی

[a.java99@gmail.com](mailto:a.java99@gmail.com)



در بحث ارائه شده در یادداشت بخش اول آوردم: «... حدود هشتاد (۸۰) تا نود (۹۰) درصد کارگران و پرسنل پروژه‌های ساختمانی و عمرانی بیکار شده‌اند. قطع اینترنت به تعطیلی بیش از چندین هزار موقعیت شغلی انجامید. این بیکاری از جنس تعدیل نیرو (اخراج) از واحدهای کار و کارگری نیست، بلکه در برابری ثباتی عمومی جامعه و بی برنامه‌ریزی دولت منفعل، و از بین رفتن خود واحد کارگری و چرخه‌ی تولید، باید آن را به معنای پایان زندگی شغلی کارگران نیز محسوب کرد...» (۱)

دربخش اول یادداشت تلاشم این بود که دامنه‌ی بحث را تنها روی کارگران شاغل محدود نسازم بلکه: «... آسیب به‌جامانده از جنگ برای کارگرانی که با انواع قراردادهای کاری، پیمانی، شرکتی، سفیدامضاء، بی‌ثبات‌کاران یا کارگران بی‌ثبات، و کارگران پاره‌وقت، خوداشتغال و آزادکار، چه واقعی و چه ساختگی، بدون قرارداد رسمی و اغلب حتی بدون بیمه و حمایت قانونی مشغول به کارند، معنایی جز تشدید ناامنی و بی‌پناهی ندارد؛ کارگرانی که گاه فاصله‌ی چندانی با مرگ ندارند. اساساً هیچ‌گونه قرارداد قانونی و مطمئنی برای اشتغال وجود ندارد. اکثریت مردم از بیمه‌ی بهداشتی و اجتماعی محروم‌اند و کارگران و مزدبگیران در عمل از بسیاری از حقوقی که حتی در همین قانون کارگذاری جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده، برخوردار نیستند.» (ماخذ پیشین).

تلاش من در این بخش آن است که این وضعیت را در پیوند با بحران اشتغال، تعطیلی واحدهای تولیدی، گسترش بیکاری پنهان و فشارهای فزاینده بر زندگی و معیشت کارگران بررسی کنم.

واریسی جنبش کارگری و فعل و انفعالات مربوط به آن پس از دو جنگ، به‌ویژه در فاصله‌ی بیش از شش ماه گذشته، بازاندیشی درباره‌ی وضعیت آن روزها و متغیرهای تأثیرگذار بر زندگی کارگران رادشوارتر کرده است. در این دوره، نقش بحران‌های اقتصادی در تحولات ایران، به‌خصوص بحران توزیع ثروت و قدرت در درون نظام اسلامی، برجسته‌تر شده و ابعاد دراماتیک‌تری یافته است. تورم فزاینده، وضعیت نابسامان بیکاری، توسعه نیافتگی و رشد منفی اقتصادی، شرایط را نسبت به گذشته پیچیده‌تر کرده‌اند.

از این رو، پاسخ به مجموعه‌ی پرسش‌های پیش رو، تنها با اتکا به فاکتورهای «روزشمار کارگری» کفایت نمی‌کند؛ هرچند این روز شمار طی سالیان طولانی، ثبت‌کننده‌ی رخداد‌های کارگری و اجتماعی بوده است. محدودیت دسترسی به اخبار و دشواری پیگیری تحولات، شناخت دقیق‌تر این شرایط را نیز با کاستی‌هایی روبه‌رو می‌کند. با این همه، می‌کوشم

دربازخوانی تحلیلی شرایط قبل و بعد از جنگ و در دوره‌ی «نه جنگ، نه صلح»، پیچیدگی وضعیت زندگی و اشتغال کارگران را روشن‌تر سازم.

## وارسی مسئله‌ی بیکاری در ایران:

پرسش اساسی این است: پیش از جنگ، در دوران جنگ و پس از آن، با چه تعداد نیروی بیکار در جامعه‌ی ایران روبه‌رو بوده و هستیم؟

واقعیت این است که در نظام اسلامی با منابع آماری شفاف، منسجم و قابل اتکایی که بتوانند تصویر روشنی از واقعیت زندگی و کار مردم ارائه دهند، روبه‌رو نبوده‌ایم. نهادها و مؤسسات گوناگون، از بانک مرکزی و مرکز پژوهش‌های مجلس تا مرکز آمار، سازمان برنامه، وزارت کار، جهادسازندگی و تعاون، سازمان امور مالیاتی و مطبوعات، در دوره‌های مختلف ارقام و برآوردهایی منتشر می‌کنند که گاه با یکدیگر همخوانی ندارند و تصویر واحدی از وضعیت اشتغال به دست نمی‌دهند. نمونه‌ی زیر بخشی از این آشفتگی آماری را نشان می‌دهد.

سایت «بهارنیوز» در اردیبهشت ۱۴۰۵، با اشاره به وضعیت زندگی مردم پس از جنگ چهل‌روزه، نوشت که مردم ایران مصرف خود را به نیازهای اساسی محدود کرده‌اند. بنا بر گزارشی که به رویترز نسبت داده شده، قیمت‌ها از زمان آغاز جنگ ۴۰ درصد افزایش یافته و مردم سفر، رستوران رفتن و خریدهای غیرضروری یا کم‌تر ضروری را به‌شدت کاهش داده‌اند. شواهد منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی نیز از کاهش مسافران مترو، خالی‌شدن پارکینگ ادارات و کاهش زمان ترافیک سنگین تهران از حدود یک ساعت و نیم به ۳۰ دقیقه حکایت داشته است. در این گزارش، این وضعیت به افزایش بیکاری، تعویق پرداخت دستمزدهای فروردین‌ماه و کاهش قدرت خرید مردم نسبت داده شده است.

در همین گزارش، به نقل از قاسم محمدی، معاون وزیر کار جمهوری اسلامی، اعلام شده است که اخیراً دو میلیون نفر در اثر جنگ بیکار شده‌اند؛ این در حالی است که پیش‌تر نیز از دست رفتن بیش از یک میلیون شغل سخن گفته شده بود. احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شمار

ثبت نام کنندگان بیمه‌ی بیکاری را ۱۴۷ هزار نفر اعلام کرده که نسبت به سال قبل ۵۰ هزار نفر افزایش نشان می‌دهد. هادی کمال‌زاده، اقتصاددان، نیز هشدار داده است که ۱۰ تا ۱۲ میلیون شغل، معادل حدود نیمی از نیروی کار، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در معرض خطر شرایط جنگی قرار دارند. (۲)

با این همه، براساس ارقام رسمی پیش از جنگ، حدود دو میلیون نفر در کشور بیکار بوده‌اند و با در نظر گرفتن جمعیت فعال حدود ۲۶ میلیون نفری، نرخ رسمی بیکاری نزدیک به ۷,۶ درصد برآورد می‌شده است. در برآوردهای مطرح‌شده پس از جنگ، شمار بیکاران به حدود چهار میلیون نفر رسیده است.

اگر این رقم چهار میلیون نفری را به عنوان شمار نان‌آوران بیکار در نظر بگیریم، مسئله تنها به خود این افراد محدود نمی‌شود؛ زندگی خانواده‌های آنان نیز به خطر می‌افتد. برآوردی ساده نشان می‌دهد که بیکاری چهار میلیون نان‌آور می‌تواند معیشت ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر از جمعیت ۹۰ میلیونی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و آنان را با بحران جدی تأمین زندگی روبه‌رو سازد.

حمایت اعلام شده‌ی دولت از این گروه‌ها، یارانه‌ی نفری ۳۰۰ هزار تومانی و کالابری به مبلغ یک میلیون تومان برای هر نفر است. کالابری یک خانواده‌ی چهارنفره، به‌سختی هزینه‌ی خرید یک کیسه‌ی ده‌کیلویی برنج را تأمین می‌کند! اما به‌راستی، اگر دوره‌ی «نه جنگ، نه صلح» بخواند به جنگ دیگری منتهی شود، چه برسر این میلیون‌ها خانواده‌ی بی‌پول و بی‌روزی خواهد آمد؟ چند میلیون خانواده‌ی کارگری و مزد بگیر دیگر به این خیل بی‌پناه و گرسنه افزوده خواهند شد؟ چه کسی مسئولیت تأمین «نان» و «سرپناه» فرزندان نگران و ناامید این چند میلیون خانواده‌ی بیکار و بی‌نان را بر عهده خواهد گرفت؟

از سوی دیگر، در محاسبه‌ی آمار بیکاری، وضعیت بخش بزرگی از نیروی کار به‌درستی بازتاب نمی‌یابد. کارگران پیمانی، شاغلان با قراردادهای موقت و کوتاه مدت، قراردادهای سفید امضا، قراردادهای ساعتی و آنی

و دیگر گروه‌های شاغل در وضعیت بی‌ثبات، نیروی گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند؛ اما وضعیت آنان به‌سادگی در آمارهای رسمی بیکاری ثبت نمی‌شود. این مسئله در شرایطی اهمیت بیشتری می‌یابد که بنا بر برآوردهای مطرح‌شده، بیش از ۷۰ درصد کارگران کشور با قراردادهای موقت و پیمانی کار می‌کنند.

در مقابل، مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام کرده است که آماري درباره‌ی چهار میلیون بیکار در جنگ چهل روزه یا ۵۰۰ هزار بیکار در جنگ دوازده روزه منتشر نکرده و این ارقام را بی‌اساس دانسته است.

بنابر این، ما با فقر آمار برای واریسی دقیق مسئله‌ی بیکاری روبه‌رو هستیم. مسئله تنها اختلاف بر سر یک عدد نیست؛ بلکه تعریف محدود بیکاری، دشواری ثبت وضعیت نیروی کار غیر رسمی و بی‌ثبات و نبود تصویری روشن از سرنوشت شغلی کارگران، مانع از آن می‌شود که ابعاد واقعی بحران اشتغال به درستی دیده شود. اختلاف بر سر ارقام بیکاری ناشی از جنگ نیز ضرورت بررسی مستقل، شفاف و قابل اتکا را برجسته می‌کند.

### **بیکاری پیش از جنگ؛ بحرانی که جنگ آن را تشدید کرد:**

می‌توان گفت پس از پایان جنگ چهل روزه، بازار کار ایران با یکی از موج‌های شدید بیکاری در سال‌های اخیر روبه‌رو شده است؛ اما روند اخراج کارگران و بحران اشتغال، پیش از جنگ نیز وجود داشته است.

در همین زمینه، غلامرضا تاجگردون، نماینده‌ی مردم گچساران و خان نشین سابق باشت و رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و کمیسیون تلفیق بودجه‌ی مجلس، در سال ۱۳۹۶ درباره‌ی وضعیت اشتغال کشور گفته بود: «ما سه میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بیکار در جمعیت فعال کشور داریم و در جمعیت غیر فعال هم سه میلیون و ۹۵۰ هزار نفر بیکار است.» او افزود که از جمعیت فعال ۲۵ میلیون و ۷۹۰ هزار نفری، ۲۲ میلیون و ۵۸۸ هزار نفر شاغل و سه میلیون و ۲۰۳ هزار نفر بیکار هستند. وی همچنین گفت که در جمعیت غیر فعال، پنج میلیون و ۴۵۲ هزار نفر دارای

تحصیلات عالی‌اند و حدود هشت میلیون نفر تحصیل کرده‌ی بیکار داریم که از ظرفیت اقتصادی آنان استفاده نمی‌شود. (۳)

باید توجه داشت که ارقام **تاجگردون** به‌روشنی به سال ۱۳۹۶ مربوط‌اند و نباید آن‌را آمار امروز به شمار آورد. اهمیت این ارقام در آن است که نشان می‌دهند بحران اشتغال، بیکاری و استفاده نکردن از ظرفیت نیروی کار تحصیل کرده، سال‌ها پیش از دو جنگ اخیر نیز وجود داشته است.

اکنون رکود اقتصادی، تخریب زیرساخت‌های صنعتی، افت تقاضا در بسیاری از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و اختلال گسترده در زنجیره‌ی تولید، به عوامل پیشین افزوده شده‌اند و فشار بر اشتغال را تشدید کرده‌اند. از این منظر، بیکاری در ایران پدیده‌ای تازه و زاده‌ی جنگ نیست؛ جنگ بر بحران اشتغال و ناامنی شغلی‌ای فرود آمده که از پیش وجود داشته و آن را عمیق‌تر کرده است. چند استانی که در دوران جنگ وسیع‌ترین زخمه را شاهد بودند شامل؛ خوزستان- لرستان و تهران بزرگ‌اند.

## **خوزستان؛ تخریب واحدهای تولیدی و گسترش بیکاری:**

آسیب‌های وارد شده به استان خوزستان در جریان دو جنگ اخیر چشمگیر بوده است. در این رابطه، **قربان درویشی**، دبیر اجرایی خانه‌ی کارگر استان خوزستان و عضو کانون بازنشستگان تأمین اجتماعی آبادان، با اشاره به مشکلات استان در شرایط جنگ و آتش‌بس گفته است: «ما در خوزستان دست‌کم ۳۵ واحد تولیدی عمده در این استان آسیب دیده یا از چرخه‌ی فعالیت خارج شده‌اند. بخش مهمی از این آسیب‌ها به منطقه‌ی ویژه‌ی اقتصادی بندرامام، منطقه‌ی ماهشهر و بخش پتروشیمی مربوط می‌شود. فولاد خوزستان و فولاد اکسین نیز آسیب‌هایی دیده‌اند.

**قربان درویشی** در ادامه، بر آورد کرده است: «که اگر مشکلات ناشی از بیکاری مدیریت نشود، بین ۵۰ تا ۵۵ هزار نفر به‌طور مستقیم، در پی حملات و فشارهای اقتصادی و صنعتی، در استان خوزستان بیکار شده‌اند؛ استانی که پیش از جنگ‌های اخیر نیز با بحران‌های جدی روبه‌رو بوده است.

او همچنین با اشاره به پیامدهای بیکاری گسترده بر منابع تأمین اجتماعی، توضیح داده است که بیکاری در مقیاس صد هزار نفر می‌تواند به معنای تبدیل صد هزار مورد درآمد برای تأمین اجتماعی به هزینه برای این صندوق باشد. این اشاره به پیامدهای گسترده‌تر بیکاری مربوط است و نباید آن را با برآورد ۵۰ تا ۵۵ هزار بیکار مستقیم ناشی از جنگ یکسان گرفت. درویشی همچنین از دست‌کم ۱۳ کارگر شهید و نزدیک به ۱۰۰ کارگر جانباز در خوزستان سخن گفته و خواستار تشکیل کارگروهی ویژه برای جبران خسارات و احیای بازار کار شده است. (۴)

اظهارات قربان درویشی سه محور مهم را پیش روی ما می‌گذارد: نخست، آسیب دیدن دست‌کم ۳۵ واحد تولیدی عمده؛ دوم، برآورد ۵۰ تا ۵۵ هزار بیکار مستقیم و پیامدهای بیکاری گسترده بر منابع و هزینه‌های تأمین اجتماعی؛ و سوم، آمار کارگران شهید و جانباز که بُعد انسانی و اجتماعی جنگ را وارد بحث می‌کند.

در اینجا دیگر فقط با تعطیلی یک کارخانه یا از دست رفتن یک فرصت شغلی روبه‌رو نیستیم. آسیب به واحدهای تولیدی، از بین رفتن درآمد کارگران و خانواده‌های آنان، فشار بر صندوق‌های حمایتی و تلفات انسانی، حلقه‌هایی از یک زنجیره‌اند که زندگی کارگران را از جنبه‌های گوناگون تحت فشار قرار می‌دهند.

## **بیکاری پنهان؛ فراتر از ارقام رسمی:**

فرامرز توفیقی، کارشناس بازار کار، به «شرق» می‌گوید: «... اگر بخواهیم بیکاری را بر اساس واقعیت اجتماعی و اقتصادی کشور بررسی کنیم، ممکن است رقم واقعی بسیار بالاتر از نرخ بیکاری رسمی باشد؛ حتی ارقامی بالاتر از ۱۵ میلیون نفر». او ادامه می‌دهد: «حالا ممکن است سؤال ایجاد شود چرا این افراد در آمارهای بیکاری دیده نمی‌شود؟ چون بخش قابل توجهی از آنها اساساً در جست‌وجوی کار نیستند و در تعریف آماری، بیکار محسوب نمی‌شوند. بخشی از این افراد هم برای تأمین هزینه‌های زندگی به سمت مشاغل غیررسمی، دلالی و واسطه‌گری،

فعالیت‌هایی مانند اسنپ و پیک موتوری، خرید و فروش در بازارها، ترید و معامله‌گری و فعالیت‌های پراکنده اقتصادی رفته‌اند. بنابر این ممکن است فردی درآمد پایدار و شغل واقعی نداشته باشد، اما صرفاً به دلیل اینکه فعالیت اقتصادی محدودی انجام می‌دهد یا در حال جست‌وجوی رسمی شغل نیست، در آمار بیکاران قرار نگیرد...» **توفیقی** ادامه می‌دهد: «در نتیجه، نرخ بیکاری رسمی لزوماً نمی‌تواند تمام ابعاد بحران بازار کار را نشان دهد. ما با پدیده‌ای مواجه هستیم که می‌توان آن را بیکاری پنهان یا بیکاری همراه با سرخوردگی از بازار کار دانست؛ افرادی که عملاً از بازار کار خارج شده‌اند، اما در آمار رسمی بیکاران دیده نمی‌شوند.» (۵)

اظهارات **فرامرز توفیقی**، محور دیگری به بحث ما می‌افزاید: کسانی که از جست‌وجوی رسمی کار دست کشیده‌اند یا برای تأمین معاش به فعالیت‌های پراکنده و بی‌ثبات روی آورده‌اند، ممکن است در آمار رسمی بیکاران ثبت نشوند. این وضعیت را می‌توان بخشی از پدیده‌ی «بیکاری پنهان» یا سرخوردگی از بازار کار دانست؛ وضعیتی که در آن، افراد عملاً از امکان دستیابی به شغل پایدار و درآمد کافی محروم‌اند، اما در آمار رسمی بیکاری دیده نمی‌شوند.

در اینجا باید میان سه وضعیت تمایز گذاشت: نداشتن شغل پایدار، داشتن درآمد ناکافی و بیکار باقی ماندن در تعریف آماری. به سیاق آنچه در دوره احمدی نژاد از قول او بیان می‌شد، اگر کسی در روز یک ساعت کار کند، کارگر محسوب می‌شود - این تمایز به ما امکان می‌دهد مفهوم بیکاری پنهان را توضیح دهیم، بی‌آنکه همه‌ی شاغلان غیررسمی را بیکار به شمار آوریم. مسئله‌ی اصلی آن است که داشتن فعالیت اقتصادی محدود با درآمدی ناچیز، الزاماً به معنای برخورداری از شغل پایدار و امکان تأمین زندگی و کارگر باثبات نامیده شدن نیست.

## از پایان قرارداد تا اخراج کارگر:

در کنار این تصویر کلی، نمونه‌های مشخصی از تعطیلی، تعدیل نیرو یا همان اخراج و پایان قراردادهای کاری وجود دارد که ابعاد ملموس‌تری از بحران اشتغال را نشان می‌دهند.

بر اساس گزارشی از خبرگزاری ایلنا، در کارخانه‌ی نساجی بروجرد حدود ۸۰۰ کارگر مشغول به کار بوده‌اند؛ اما از ابتدای فروردین‌ماه سال جاری، دست‌کم ۷۰۰ کارگر پس از پایان قرارداد، کار خود را از دست داده‌اند. در همین رابطه، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار لرستان نیز از اخراج بیش از ۸۰۰ کارگر این کارخانه همراه با دو ماه حقوق معوقه خبر داده است. (۶)

همچنین، به گزارش خبرگزاری هرانا به نقل از ایلنا، دست‌کم ۶۰ نفر از کارگران شرکت شایان صنعت تعدیل شده‌اند. این مجموعه‌ی صنعتی دارای چهار کارخانه‌ی تولیدی در مناطق جاده‌ی مخصوص، اشتهاورد، قلعه‌حسن‌خان و شهرک صنعتی کاوه است. بنا بر گزارش منتشر شده، در واحد کلاچ‌سازی واقع در جاده‌ی مخصوص کرج، از مجموع ۱۲۰ کارگر شاغل در خط تولید، حدود ۶۰ نفر تعدیل (اخراج) شده‌اند. به گفته‌ی کارگران، این اخراج‌ها عمدتاً شامل کارگران بازنشسته، زنان و نیروهای باسابقه بوده است. (۷)

این نمونه‌ها نشان می‌دهند که پایان قراردادهای موقت، معوقات مزدی و تعدیل نیرو یعنی اخراج کارگران زن، می‌توانند به‌طور هم‌زمان امنیت شغلی و معیشت کارگران و خانواده‌ها را تهدید کنند. برای کارگری که با قرارداد کوتاه‌مدت یا درآمدی ناپایدار زندگی می‌کند، اخراج تنها به معنای از دست‌دادن محل کار نیست؛ بلکه می‌تواند به از دست رفتن امکان پرداخت اجاره، تأمین خوراک خانواده و ادامه‌ی زندگی روزمره منجر شود.

می‌توان گفت بحران اشتغال پس از جنگ را باید در تلاقی سه وضعیت بررسی کرد: ناامنی شغلی از پیش موجود، تخریب و اختلال ناشی از

جنگ و محدودیت آمارهایی که قادر نیستند تمام ابعاد بیکاری و محرومیت از درآمد پایدار را نشان دهند.

## بیکاری در شرایط «نه جنگ، نه صلح»:

واریسی معضل بیکاری در شرایط «نه جنگ، نه صلح» نشان می‌دهد که بحران اقتصادی موجود، تعطیلی بنگاه‌ها، تعدیل نیرو و کاهش درآمد، تنها به اخراج قطعی کارگران محدود نمی‌شود. در این شرایط، ارقام مربوط به بیکاری، افراد در معرض بیکاری و کارگرانی که با کاهش روزهای کار و درآمد روبه‌رو هستند، ابعاد متفاوتی از یک بحران واحد را نشان می‌دهند.

در همین رابطه گزارش شهریور ماه ایلنا از مجموعه رکود و تعطیلی بنگاه‌ها، بیکاری ۲۰ هزار کارگر در استان هرمزگان را باید به این مجموعه افزود. **اسماعیل حاجی‌زاده**، دبیر اجرایی خانه کارگر هرمزگان، در گفتگو با ایلنا: «طی ماه‌های اخیر، هتل پنج‌ستاره‌ی خلیج فارس بندرعباس پس از چهار ماه تعطیلی، تمام نیروهای خود را کنار گذاشته است... این مسئله صرفاً محدود به یک هتل نیست و بسیاری از شرکت‌های مستقر در اسکله شهید رجایی، نظیر شرکت سینا، دست به تعدیل نیرو (اخراج کارگران) زده‌اند. برخی شرکت‌ها کارگران را فقط برای ۱۰ روز کار در ماه نگه داشته‌اند و برخی دیگر، نیروی کار را برای دریافت بیمه‌ی بیکاری به اداره کار معرفی کرده‌اند؛ برآوردها نشان از بیکاری حدود ۲۰ هزار کارگر در سطح استان هرمزگان دارد. (۸)

نتیجه‌ی این بحث روشن است: بیکاری در شرایط «نه جنگ، نه صلح» فقط به معنای اخراج قطعی کارگر نیست. کاهش روزهای کار، تعطیلی موقت یا طولانی بنگاه‌ها، معرفی کارگران برای دریافت بیمه‌ی بیکاری و افت درآمد نیز بخشی از همین بحران است. کارگری که هنوز نامش در فهرست کارکنان یک واحد تولیدی قرار دارد، اما تنها چند روز در ماه کار می‌کند و درآمدش کفاف زندگی را نمی‌دهد، عملاً با ناامنی معیشتی

رو به روست؛ وضعیتی که ارقام رسمی بیکاری به تنهایی قادر به نشان دادن همه‌ی ابعاد آن نیستند.

در ادامه‌ی یادداشت‌های کارگری به دشواری زندگی آنان بر بستر تورم، گرانی، متغیر سبد هزینه‌ی روزانه، اجاره خانه، نبود دارو برای بازنشستگان، دستمزد و درآمد ثابت آنان در برابر این مجموعه‌ی دشواری‌ها در نزد لایه‌های مختلف کارگران و از زبان کارگران باز خواهم پرداخت...

## حاصل کلام :

می‌توان گفت فاکت‌های برشمرده شده و منابع آماری مورد استناد در این یادداشت، برای طبقه‌ی ما دیگر پاسخ‌های خودبه‌خودی و برداشت‌های کلی را کفایت‌بخش باقی نمی‌گذارند. اختلاف ارقام، محدودیت آمارهای رسمی و نادیده‌ماندن بخش‌هایی از نیروی کار نشان می‌دهد که برای شناخت ابعاد بحران اشتغال، به بررسی مستقل و شفاف وضعیت کارگران و زندگی و معیشت آنان نیاز داریم.

چنانچه دوره‌ی «نه جنگ، نه صلح» به‌طور قطعی پایان نگیرد و جامعه‌ی ما به صلحی پایدار و باثبات دست نیابد، تداوم این وضعیت و بازگشت جنگ، استخوانی لای زخم جامعه خواهد بود. فشار و فقر، تورم فزاینده و فلاکت عمومی می‌توانند زندگی مردم را بیش از پیش فرسوده کنند و جان و آینده‌ی آنان را به مخاطره اندازند.

در مقابل، راه کم‌هزینه‌تر و مؤثر پیش روی طبقه‌ی ما، همچون گذشته، کوشش و تلاش پیگیر، تقویت مبارزه‌ی طبقاتی و شکل‌دادن به نوعی مقاومت سازمان‌یافته است. این سازمان‌یابی باید از درون خود طبقه، از مسیر تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد شبکه‌های متوازن طبقاتی در پیوند با دیگر نیروهای اجتماعی پیش برود تا در روند گسترش مبارزه‌ی طبقاتی، به نظم‌ی متناسب با ضرورت‌های این مبارزه دست یابد. چنین تلاشی نمی‌تواند تنها به تهران، مراکز استان‌ها یا شهرهای بزرگ محدود

بماند؛ باید تمام جغرافیای ایران، از مناطق صنعتی و مراکز کارگری تا کوچکترین شهرها و دورافتاده‌ترین روستاها را دربرگیرد.

یادمان نرود که امنیت شغلی در جامعه، برخورداری از عدالت اجتماعی و توزیع برابر امکانات برای دستیابی به نیازمندی‌های اولیه‌ی زندگی، صرفاً مسائل اخلاقی یا رفاهی نیستند؛ این‌ها بخش اساسی زیرساخت زندگی پایدار در هر جامعه‌اند و مردمان ما سخت به آن‌ها نیازمندند.

حاکمیت اسلامی باید دریابد: امروز صدای زنان، دانشجویان، استادان، معلمان، دانش‌آموزان، صدای بازنشسته، صدای پرستار، صدای کولبر و سوخت‌بر، صدای نویسنده، شاعر، سینماگر، صدای فعال محیط زیست، صدای دست‌فروش و صدای کارگر، تنها صدایی منفرد و محدود به یک شخص یا گروه نیست، بلکه صدای یک جامعه است که در برابر کل حاکمیت اسلامی، تمام‌قد به پا خاسته است. باید این‌ها را شنید و بدان پاسخ لازم و ضرور داد. باید دریافت ادامه‌ی این وضعیت بحران‌زا می‌تواند امنیت و تولید اقتصادی کشور را مختل کند و با فرسایش عمومی جامعه، سلامت اجتماعی و اعتماد عمومی را نیز به ورطه‌ی بحران بکشانند.

طی سال‌های گذشته، گسترش سرمایه‌داری لجام‌گسیخته و سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر منطق بازار آزاد، در کنار مافیای قدرت، اختلاس‌گران، رانت‌خواران و آقا‌زاده‌های نژاد برتردان، و نیز آیت‌الله‌های شکرخوار، ماهی‌خوار، زمین‌خوار و جنگل‌خوار و امروز تراستی‌های حاشیه‌ساز، در کنار تقسیم جامعه به خودی و غیر خودی، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر کرده‌اند. بذریع‌اعتمادی و نفرت عمومی، به‌ویژه پس از جنایت فاجعه‌بار دی‌ماه ۱۴۰۴، که خیل وسیع خانواده‌ها را به سوگ نشاند، شکاف دولت و ملت را در میان مردمان ایران عمیق‌تر ساخته است.

در برابر چنین وضعیتی، سازمان‌یابی جمعی، پیوند میان بخش‌های مختلف نیروی کار و تقویت همبستگی اجتماعی ضرورتی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشید.

دوشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۵ برابر با ۱۹ اکتبر ۲۰۲۶

## منابع:

(۱) سایت اخبار روز، امیرجواهری لنگرودی، یادداشت کارگری، حلقه‌ی زندگی کارگران پس از دو جنگ، تنگتر می‌شود! «از ویرانی صنایع و زیرساخت‌ها تا تشدید فشار بر زندگی و معیشت» (بخش اول)

<https://akhbar-rooz.com/2026/10/09/66754>

(۲) سایت بهارنیوز، تعداد بیکاران متأثر از جنگ به ۴ میلیون نفر می‌رسد.

<https://www.baharnews.ir/news/576439>

(۳) سایت بهارنیوز، ایران شش میلیون تحصیل‌کرده بیکار دارد!

<https://www.baharnews.ir/news/141053>

(۴) رضا اسدآبادی خبرنگار ایلنا، آمار بالای بیکاری کارگران در اثر جنگ/ صد هزار کارگر فقط در خوزستان بیکار شدند.

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1772652>

(۵) فرامرز توفیقی، روزنامه شرق، کوچک شدن سفره فقر

<https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-1122970>

(۶) خبرگزاری ایلنا، ۷۰۰ کارگر کارخانه نساجی بروجرد تعدیل شدند.

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1777565>

(۷) خبرگزاری هرانا، «معوقات مزدی و اخراج کارگران شاغل در شرکت شایان صنعت»

<https://www.hra-news.org/2026/hranews/a-606accc2>

(۸) خبرگزاری ایلنا، بیکاری ۲۰ هزار کارگر در موج سنگین تعدیل نیرو در هرمزگان.

<https://www.ilna.ir/fa/tiny/news-1830042>